



## **Factors Contributing to the Deviation of the Anti-Oppression Discourse in the Era of Occultation (Ghaybah)**

**Dr. Razieh Aliakbari**<sup>1</sup>  
**Khadijeh Balanj**<sup>2</sup>

### **Abstract**

Preparing the grounds for the advent of Imam Mahdi (may God hasten his reappearance) requires the development of certain capacities at the societal level. Among the most effective means of such preparation is the promotion of an anti-oppression discourse and active resistance against injustice. However, in the era of Occultation (Ghaybah), due to the complexity and strength of various counteracting forces, this discourse has faced distortion and even the risk of being undermined. Studies indicate that these forces—deliberately and consciously supported by certain stimuli—have grown in influence, obscuring the constructive essence of Intizar (active, purposeful awaiting) behind the veil of superstition, misinterpretation, and distortion. This article, using a descriptive-analytical method, identifies and examines the major factors behind the deviation from the anti-oppression discourse during the Occultation. The findings reveal that elements such as colonial powers and capitalists, propaganda, weakening of religious faith, comfort-seeking attitudes, greed, and materialism play a central role in this deviation.

**Keywords:** Occultation (Ghaybah), Anti-oppression discourse, Ideological distortion, Colonial domination, Material attachment, Weak faith, Comfort-seeking, Greed

---

1. PhD in Islamic Theology, Assistant Professor, Farhangian University of Qom (Hazrat-e Masoumeh Campus), Department of Theology, Qom, Iran (Corresponding Author)(aliakbari@cfu.ac.ir)  
2. Seminary Student, Level 2, Al-Zahra University, Qom, Iran(khadijehbalanj@gmail.com)

## عوامل انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی در عصر غیبت

راضیه علی‌اکبری<sup>۱</sup>

خدیجه بلنج<sup>۲</sup>

### چکیده

زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه احتیاج به ایجاد ظرفیت‌هایی در جهت آماده‌سازی جامعه دارد. مقابله با ظلم و ایجاد گفتمان ظلم‌ستیزی می‌تواند یکی از روش‌های زمینه‌سازی ظهور باشد؛ اما با توجه به غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و پیچیدگی و قدرت عواملی که می‌توانند باعث انحراف و حتی نابودی این گفتمان شوند، این موضوعات همراه با برخی از محرک‌ها، تعدی و آگاهانه رشد یافته و چهره سازنده انتظار را در پشت غبار خرافات و سوءفهم‌ها و تحریف‌ها پنهان کرده است. به این منظور در این مقاله به بررسی و شناسایی عوامل انحراف در گفتمان ظلم‌ستیزی در عصر غیبت پرداخته شده است. مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به بررسی و تحلیل عوامل انحراف از گفتمان ظلم‌ستیزی می‌پردازد. مطالعات به دست آمده حاکی از این است که عوامل بسیاری باعث ایجاد انحراف در گفتمان ظلم‌ستیزی می‌شوند که استعمارگران و سرمایه‌داران، پروپاگاندا، ضعف ایمان دینی، عافیت‌طلبی، حرص و طمع و دنیاپرستی، از جمله مهم‌ترین این موارد هستند.

### واژگان کلیدی

غیبت، ظلم‌ستیزی، انحراف، استعمارگر، دنیاپرستی، ضعف ایمان، عافیت‌طلبی، حرص.

### مقدمه

«ظلم‌ستیزی» سیره انبیاء و اهل بیت علیهم‌السلام است و مظلوم شدن و زیر بار ظلم رفتن برخلاف خواست خداست و سازش با ظالم، یکی از بزرگ‌ترین آثار جهنمی شدن است، قرآن ظلم و ستم را دارای آثار مخرب و هلاک‌کننده فراوانی می‌داند که دنیا و آخرت، روح و جسم ظالم و ستمگر

۱. عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (aliakbari@cfu.ac.ir).

۲. طلبه سطح دو جامعه الزهراء، قم، ایران (khadijehbalanj@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹

را به ورطه نابودی و ذلت و بدبختی ابدی می‌کشاند و نیز روح و جسم مظلوم و ستم‌دیده را به عذاب و خواری دنیوی و ذلت و بدبختی ابدی می‌کشاند. از این رو اعتراض به ستمگرانی که مرتکب خلاف و جنایت می‌شوند لازم است. دلیل مبارزه انبیاء با اشراف و سرمایه‌داران زمان خود، ظلم آنان بوده است. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه معتقد بود پیامبر و بزرگان دین در راه مبارزه با ظلم، صدماتی فراوان دیده‌اند و مبارزه با ظلم و دیکتاتوری دولت‌های ظالم، از مبانی اختصاص شیعه و از خصصیت‌های ذاتی تشیع در طول تاریخ بوده است. چنانچه خداوند نیز سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر این‌که خودشان بخواهند. از این رو در مقاله حاضر به بررسی عوامل انحرافات موجود در گفتمان ظلم‌ستیزی در عصر غیبت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌پردازیم و عواملی که این انحرافات را فراهم می‌کند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مهم‌ترین عوامل ذکر شده در منابع مربوطه شامل این موارد می‌شوند: عافیت‌طلبی، ضعف ایمان دینی، حرص و طمع و دنیاپرستی، ندادن احتمال اثر، روحیه سازش‌کاری مدهانه با اهل ظلم و ستم و ستمگران و جباران، حفظ آبرو، جبرگرایی، برداشت غلط از سایر ابعاد دینی چون صبر، توکل، حلم، انتظار فرج، جامعه‌گریزی و دوری از مردم و جامعه که باعث بی‌خبری می‌گردد، رفاه‌طلبی، راحت‌طلبی، سرمایه‌داران و استعمارگران که البته بررسی همه این عوامل در این مقاله امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین مهم‌ترین آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ضرورت و اهمیت

در طول تاریخ بشر همواره، انسان‌هایی بوده‌اند که به فرماندهی شیطان بزرگ در راه باطل قدم می‌نهادند و برای رسیدن به اهداف باطل خود قدم برداشته و تلاش می‌کردند، مسلماً برای رسیدن به این اهداف پا روی حقوق انسان‌های دیگر می‌گذاشتند تا بتوانند به نتیجه دلخواه و موردپسند خود برسند و بقیه را با خود همراه و همگام کنند.

خداوند متعال به‌عنوان منشأ همه خیرات در جهان، با یاری‌رساندن به انسان‌های آزاده، رسولانی برگزید و فرستاد تا انسان را در رسیدن به سعادت و رستگاری راهنما باشند.

ابلیسیان برای شکست برگزیدگان و انسان‌های سعادت‌مند دست از تلاش برنمی‌دارند و همواره در حال مبارزه هستند و توانسته‌اند، برای تداوم و بقای حکومت خود در برحه‌هایی از زمان آنها را شکست دهند و انبیای الهی و اهل بیت علیهم‌السلام را از سر راه خود بردارند، و از آن‌جا که

انسان دارای دو بعد الهی و حیوانی است، کنش‌های فرد بنا به میزان درونی‌سازی اعتقادات و یا میزان نزدیک شدن به فطرت اصلی خود در جهت مثبت: (ظلم ستیزی) از جهت منفی: (از خود بیگانگی) در نوسان است، فقر اعتقادی، فرهنگی و اقتصادی سبب رفتار نادرست انسان در مقابل انسان‌های دیگر می‌شود که مهم‌ترین آنها برخورد ظالمانه و سلطه‌جویانه و برخورد مظلومانه و تحت سلطه است. عوامل مؤثر در انحراف گفتمان ظلم ستیزی با اخلاقیات و اعتقادات پیوسته است و نهادهای فرهنگی و عوامل حاکم بر جامعه در به وجود آمدن آن نقش بسیار مؤثری دارند. حکومت طاغوت، این لشکریان شیطان برای از بین بردن تفکر ظلم ستیزی از این عوامل حداکثر بهره را برده است؛ و جامعه اسلامی نیز با توجه به غیبت امام، از این عوامل غفلت کرده و آنها را به حال خود رها کرده است که ما به بررسی مواردی از آن می‌پردازیم.

در این زمینه آثاری نوشته شده از جمله: مقاله «احیای اندیشه ظلم ستیزی در تفکر سیاسی - دینی امام خمینی رحمته‌الله علیه» اثر محمدحسین جمشیدی که فقط از منظر امام خمینی رحمته‌الله علیه به مسئله ظلم ستیزی پرداخته است. مقاله «تصویر فنی ظلم در نهج البلاغه» نوشته دکتر مرتضی قائمی ابوالفضل رحمتی که به تصویرسازی‌های ظلم، از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته است. مقاله «بررسی علل سکوت در برابر ظلم»، تألیف سعیده ابوالحسن نژاد که با رویکرد سکوت در برابر ظلم به موضوع ظلم ستیزی پرداخته است. مقاله «رویکرد نهج البلاغه به ظلم و نفاق سیاسی به عنوان دو ضدارزش» کاری از حسن رضایی، و مقاله «ظلم و ظلم ستیزی»، به قلم سهراب مروتی که در هیچ‌کدام از آثار موجود عوامل انحراف گفتمان ظلم ستیزی به صورت تفصیلی تبیین نشده است، ولی در پژوهش حاضر بدان پرداخته شده است.

### عوامل انحراف گفتمان ظلم ستیزی

مهم‌ترین عوامل انحراف گفتمان ظلم ستیزی در عصر غیبت عبارت‌اند از:

#### حرص و طمع و دنیاپرستی

طمع به دنیا تفکر ظلم ستیزی و عدالت خواهی را می‌میراند و سبک تملق‌گرایانه و چاپلوسی را احیا می‌سازد. وقتی انسان به دام حرص گرفتار می‌شود، قدرت «امر به معروف» و «ستیز و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی» و جرأت بر مقابله با کژی‌ها و ناروایی‌ها را از دست می‌دهد؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از علل انحراف گفتمان ظلم ستیزی در عصر غیبت «طمع» است. طمع به

دنیا، برای انسان کوچکی که روح ضعیف دارد، ایده‌آل و مطلوب است و برایش تلاش می‌کند و حاضر نیست آن را به‌آسانی از دست بدهد. یکی از گرفتاری‌های مردم در دوره غیبت، گرایش آنان به زرق و برق دنیاست. تعداد زیادی از مردم به جهت کوتاهی در انجام وظایف مربوط به دوره غیبت و دسیسه‌های پی در پی دشمنان، کم‌کم از ارزش‌های دینی و فضائل اخلاقی و انسانی دور و در مقابل لذات مادی و زینت‌های دنیوی غرق می‌شوند و کارهایی که از دید تعالیم شریعت ممنوع دانسته شده است، مرتکب می‌شوند. در مقابل، پیروان حق، خوار و کوچک شمرده می‌شوند (نصر، ۱۳۴۹: شماره ۱۰).

حرص و طمع هر چه در انسان قوت بگیرد سبب تمایل بیشتر او به دنیا می‌شود. منشأ طمع، دنیاخواهی و سرانجام آن، دنیادوستی است و ریشه در افراط در لذت‌گرایی دارد و از جمله ردائلی است که تا لحظه مرگ دست از انسان بر نمی‌دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزند آدم پیر می‌شود، در حالی که دو چیز در او جوان می‌گردد: حرص و آرزوی دراز (کراچی، ۱۳۹۰: ۲۵).

«حرص، از احتجاب فطرت و از جنود جهل و ابلیس است و خود آن شرّ و از لوازم شرّ است و منتهی به شرّ شود، و کمتر چیزی انسان را مثل آن به دنیا نزدیک کند، و از حق تعالی و تمسک به ذات مقدّسش دور و مهجور نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۲۱۷). وقتی انسان دنیاطلب باشد و قناعت و مناعت طبع نداشته باشد، برای به دست آوردن دنیا حریص می‌شود، وقتی حرص نسبت به چیزی زیاد شود، محبت به آن زیادتر می‌شود تا جایی که تمام قلب انسان را پر می‌کند، پس در قلبی که خانه دنیاست، خدا جایی نخواهد داشت و آن خیالی که به یاد خدا نباشد، پر از افکار و عقاید شیطانی است که منشأ بسیاری از گناهان است (جهانی‌پور، ۱۳۹۴: ۳۲).

از علت‌هایی که باعث شد کوفیان در عین علاقه به امام حسین علیه السلام به جنگ با او رفتند، داشتن حرص و طمع به مال دنیا و پست و مقام بود. دنیاپرستی خطرناک‌ترین لغزش‌گاه خواص است که باید به شدت مراقب باشند که در آن سقوط نکنند. دنیاپرستی جلوه‌های بسیاری دارد؛ مانند خودپرستی، مال‌پرستی، ریاست‌طلبی و ملاحظات خویشاوندی و دوستی که مهم‌ترین آنهاست.

افراد حریص و طمع‌کار، نسبت به دنیا عجز و خواری بیشتری دارند و به خاطر خواهش‌ها و امیال نفسانی و به دست آوردن مال و جاه و مقام و ریاست، دست به هر کاری می‌زنند و به هر

خواری تن می دهند و در نتیجه به خاطر گرایش به دنیا، به پذیرش ظلم تن می دهند. از این روست که در آموزه های دینی انسان را از چشم داشت به آنچه که در دست دیگران است، توجه داده و نهی فرموده است. قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ»؛ دیدگانت را به آنچه برخی از اصناف آنان را بهره مند کردیم مدوز، [آنچه به آنان داده ایم] شکوفه [بی میوه و زیور و زینت] دنیاست تا آنان را در آن بیازمائیم، و رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است (طه: ۱۳۱). زیرا گرایش به دنیا موجب گرایش به ظالم و پذیرش ظلم و ستم می شود «فكونوا عباد الله من القوم الذين يتفكرون، وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ»؛ و به کسانی که [به آیات خدا، پیامبر و مردم مؤمن] ستم کرده اند، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه مکنید که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید (هود: ۱۱۳).

با کمی دقت در تاریخ ظلم پذیری بشر، درمی یابیم که ریشه بسیاری از ظلم ها و ظلم پذیری های در دنیا طلبی و تعلقات آدمی نسبت به دنیا است؛ چرا که به همان اندازه که حرص و طمع انسان را خوار و ذلیل می کند، قناعت و بی نیازی از آنچه که در دست مردم است به انسان عزت می بخشد. رسول خدا ﷺ می فرماید:

هر کس می خواهد ثروتمندترین مردم باشد، باید به آنچه در دست خداست، بیشتر از آنچه در دست دیگران است، اطمینان داشته باشد (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۱۳۹).

توجه به این مسئله و پرهیز از آن تا آن جا اهمیت دارد که یکی از اصول کفر شمرده شده است. چنانچه از امام صادق ع نقل شده که فرمود:

أُصُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ: الْحِرْضُ وَالِاسْتِكْبَارُ وَالْحَسَدُ، فَأَمَّا الْحِرْضُ فَإِنَّ أَدَمَ ع حِينَ نُهِى عَنِ الشَّجَرَةِ (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۲، ۲۱۹)؛

ریشه های کفر سه چیز است: حرص، تکبر و حسد. اما حرص، همان است که آدم ع را هنگام نهی از درخت ....

از این رو طمع و دنیا پرستی تفکر ظلم ستیزی عدالت خواهی را می میراند و تفکر تملق گرایانه و چاپلوسی را احیا می سازد. وقتی انسان به دام حرص و طمع گرفتار می شود، دنیا در نظر او زیبا جلوه می کند، بنابراین تمام سرمایه های درونی و بیرونی خویش را در مسیر دست یابی به خواهش ها و امیال خود صرف می کند و در نتیجه حاضر نیست تعلقاتش دست بردارد و چون نمی تواند به طور طبیعی به همه آرزوهای خود دست یابد، برای به دست آوردن دنیا به

دیگران ظلم می‌کند و یا تن به ذلت می‌دهد و ستم را می‌پذیرد، پس نمی‌تواند خود و جامعه را برای ظهور منجی آماده کند و سبب انحراف می‌شود.

### ضعف ایمان دینی

ضعف ایمان دینی، باعث انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی می‌شود و جامعه را به سمت ظلم و ستم می‌کشاند. ایمان گرایش قلبی، وابستگی فکری، اعتقادی و روانی به یک مطلب، شخص، قطب و مرکز است که باید طبق آن عمل کرد. مؤمن واقعی کسی است که به لوازم ایمان و تعهدات ایمان پایبند باشد. کسی که در مقابل تکلیف‌ها و تعهدها و مسئولیت‌ها، دست روی دست می‌گذارد به جای این‌که خود را مسئول بداند، معجزه‌خدایی را مسئول فرض می‌کند؛ باید بداند که قرآن این عمل را رد کرده، به صورت مشت محکمی بر دهان بنی‌اسرائیل می‌کوبد که به موسی گفتند:

﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾ (مائده: ۲۴)؛

پس تو و پروردگارت بروید [با آنان] بجنگید که ما [تا پایان کار] در همین جا نشستیم.

اگر برای از بین بردن و ریشه کن کردن فساد، اراده آدمی و نیروی آدمی به کار نمی‌آید، خدا انبیاء را بسیج نمی‌کرد، مردم را به پیروی از انبیاء دعوت نمی‌کرد. با کاهش قدرت اعتقادی افراد و سست شدن ایمان‌شان، توانایی ایستادگی در مقابل ظلم و ستم را از دست داده، به همین جهت از ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی روی‌گردان می‌شوند. اگر بدعتی در اسلام واقع شود و سکوت علمای دین و رؤسای مذهب، موجب هتک اسلام و ضعف عقاید مسلمانان گردد، به هر وسیله‌ای که ممکن است، باید از آن جلوگیری به عمل آید.

بعضی افراد به علت ضعف ایمان، در دشواری‌های زندگی، یا تسلیم دشمن می‌شوند و فکر می‌کنند کاری از آنها بر نمی‌آید، تسلیم مسیر زندگی عادی می‌شوند و یا به زندگی خودشان خاتمه می‌دهند. اما برای انسان با خدا در میان بن‌بست‌ها دری باز می‌شود که درهای ذلت بار را به روی او می‌بندد و آن در، «توکل به خدا» است. قرآن خردمندان را به شیوه‌ای لطیف معرفی می‌کند. آنها عالی‌ترین ارزش‌ها را بیش از همه چیز و همه‌کس موردنظر داشته، خدا را در حال ایستاده و نشسته، به یک پهلوی افتاده در همه حال یاد می‌کنند؛ اما این به یاد خدا بودن به معنای یک حالت عرفانی خلسه‌آمیز درویش‌مآبانه که بعضی دل‌شان به آن خوش باشد نیست؛ ما نیز، همیشه به یاد خدائیم اما مهم به یاد خدا بودنی فعال است که عملی محسوب

می‌شود. «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» می‌اندیشند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین، در حال تفکر هستند. بعد از این که این تفکر و اندیشمندی را انجام می‌دهند، به زبان دل و زبان ظاهر می‌گویند: پروردگارا! «مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ» مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه یک ایدئولوژی که من این‌جا برای کاری هستم. اگر معتقد به خداست می‌گوید مرا برای کاری آوردند؛ اگر معتقد به خدا نیست، می‌گوید من به هر حال در این‌جا کاری دارم. اساسی‌ترین نقاط یک فلسفه فکری الهام‌بخش زندگی فردی و اجتماعی این است که خداوند کار بیهوده انجام نمی‌دهد؛ پس من مسئولیتی دارم و باید راهی را بییمایم. پندهای بیهوده ناشی از راحت‌طلبی ضد این را به ما تلقین می‌کند. وقتی که امام سجاد علیه السلام نیمه‌شب در مسجد مشغول عبادت کردن است در راه عبودیت و خضوع در مقابل خدا؛ اشک می‌ریزد، گریه می‌کند، مناجات می‌کند؛ آن‌گاه مرد ساده‌دلی می‌گوید: ای پسر پیغمبر! تو که فرزند پیغمبری چرا گریه می‌کنی؟ امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «دع عنی حدیث ابی و امی و جدی» بینداز دور صحبت پدر و مادر و جد را که تو فرزند فلانی، الجنة للمطیعین، بهشت از آن فرمانبران است. این تز اسلامی و تزی شیعی در زمینه ایمان و عمل است (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۷۷-۱۰۷).

موارد دیگری در دوران حاضر منجر به ضعف ایمانی افراد می‌شود را می‌توان چنین بیان کرد:

- اندیشه‌های ساخته و پرداخته روشنفکر مآبان که در زمینه دین‌پژوهی و یا فلسفه دین قلم می‌زنند و هنرشان به جای رفع مشکلات دینی و تربیتی مردم، طرح شبهات در ساحت و میدان دین است و این امر موجب تزلزل ساختار جهان‌بینی و نهایتاً سستی و ضعف ایمان و بی‌ایمانی توده مردم می‌شود.

- برخورد اصلاح‌طلبانه‌ی سطحی و روشنفکر مآبانه با اساس دین که به ترویج نوعی لیبرالیسم دینی از طریق تجاهل، تساهل، و اغماض مذهبی می‌انجامد و این نوع مبارزه، جنگ مؤدبانه با دین و دین‌مداری است که به نام آن و با تظاهر به دینداری به مبارزه با آن می‌رود که سبب می‌شود ارزش‌های دینی و انسانی را از زندگی کنار زده و به جای آن بی‌غیرتی و بی‌ایمانی را حاکم گرداند.

- مصلحت‌اندیشی حاکمان و خود را اهل دیانت جلوه‌دادن، از طرفی روی‌نیابردن آنها در مقام عمل به آئین دین موجب سوختن ایمان توده مردم می‌شود. عدم پایبندی عملی حاکمان جوامع انسانی به دین نقش مستقیمی در تزلزل جهان‌بینی و باورهای دینی مردم

دارد؛ چرا که مردم در دین‌مداری و در شیوه زندگی در بعد مادی و معنوی از حکمرانان خود الگو می‌گیرند؛ و از طرفی نسل فعلی در محاصره هوای نفس، دنیا و شیطان است. گرایش به دنیا و مادی‌گری و حاکمیت و سیطره اربابان لذت‌گرایی و لذت‌پرستی و هجمه تبلیغات فرهنگی شیطان‌گرایان، دیگر مجاللی نمی‌گذارد که بشر خود را دریابد، چه رسد به این که از گوهر خود به نام ایمان سؤال کند.

علاوه بر اینها ضعف شناخت در حوزه دین و حاکمیت عرفان‌ها و معرفت‌های مصنوعی بر معرفت دینی، حضور ایمان

و ارزش‌های دینی را در زندگی فردی و اجتماعی انسان غیرممکن ساخته است. کسانی که ایمان دارند به کسی ظلم نکرده و حق کسی را پایمال نمی‌کنند؛ چون که از جزای آن می‌ترسند؛ بنابراین در برخورد با دنیاپرستان و طاغوت‌های زمان، بی‌واهمه و با قاطعیت و صلابت رفتار می‌کنند و با داشتن سرمایه ایمان، به غیر از خداوند از هیچ قدرت و نیرویی نمی‌هراسند.

کسانی که ایمان و اعتقاد آنها ضعیف است توانایی ایستادگی در مقابل ظلم و ستم را از دست داده و از ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی روی‌گردان‌اند و تن به پذیرش ظلم می‌دهند؛ از این رو تنها کسانی می‌توانند در برابر ظلم ایستادگی کنند که ایمانی راسخ داشته باشند. چنان که در قرآن می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ (انعام: ۸۲)؛ کسانی که ایمان آوردند و ایمان‌شان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند، ایمنی [از عذاب] برای آنان است، و آنان راه یافتگانند (محمدی، مروتی، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۶۲).

علی بن ابی‌طالب عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

پس از غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام مردم دچار حیرت و سرگردانی بسیاری می‌شوند. گروهی گمراه می‌شوند؛ اما گروهی دیگر علی‌رغم تمام ناملایمات بر هدایت باقی می‌مانند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۰۴).

وجود این‌گونه روایات نشان‌دهنده این است که در دوره غیبت شرایطی پیش می‌آید که دینداری و پایبندی به ارزش‌های انسانی و اخلاقی بسیار مشکل خواهد بود؛ افزودن بر تلاش و کوشش با موانع و مشکلات نیز آشنا می‌شوند و پیشاپیش، آمادگی‌های لازم را در خود ایجاد می‌کنند و در نتیجه در سخت‌ترین پیش‌آمدها بر ایمان و عقاید خود پای می‌فشارند و در حد

توان به زمینه‌سازی ظهور کمک می‌کنند. انسان دیندار عصر غیبت که دسترسی عادی به امام زمان علیه السلام ندارد براساس درک عقلی و تهذیب اخلاق و اندیشه به یقین والایی دست می‌یابد و همواره به دفاع از احکام و عقاید دینی می‌پردازد و این در شرایطی است که اغلب مردم در زرق و برق و لذات مادی خود را غرق ساخته‌اند و به احکام و ارزش‌های دینی و فضیلت‌های انسانی بی‌توجه شده‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «یا علی! بزرگ‌ترین مردمان در ایمان و یقین کسانی هستند که در آخرالزمان زندگی می‌کنند، آنها پیامبرشان را ندیده‌اند و امامشان در غیبت به سر می‌برد، با این همه آنان از روی علوم و معارف و کتاب‌هایی که در اختیار دارند ایمان آورده و در ایمان خود پایداری می‌ورزند» (مجلسی، ۱۳۶۱: ج ۵۲، ۱۲۵)؛ بنابراین یکی از راه‌های مهم ظلم ستیزی در عصر غیبت، تقویت ایمان است.

انسان نباید به جای درک ضعف و نقص خود و تلاش برای اصلاح آن، خطاهای خود را نادیده گرفته و به اصلاح دیگران بپردازد. انسان مدرن می‌خواهد همه چیز را جز خودش اصلاح کند؛ دین، فلسفه و جامعه را اصلاح می‌کند، اما حاضر به اصلاح خود نیست. در حالی که تا خود را اصلاح نکنند، قادر به اصلاح هیچ چیز دیگری نخواهد بود. تفاوت مسلمان واقعی با انسان امروزی در این است که مسلمان واقعی به خودسازی می‌پردازد و با این کار، خوب می‌شود و انسان خوب، رفتاری جز خوبی نخواهد داشت؛ بنابراین، تا زمانی که این اصلاح درونی صورت نگیرد، هر اصلاح دیگری، هرچند با نیتی خیرخواهانه، ناقص خواهد بود (نصر، ۱۳۴۹: ش ۱۰).

یکی از ابتلائات و آسیب‌های دوران غیبت، برگشت عده‌ای از آئین الهی و ضعف و سستی در دینداری و یگانه پرستی است. در عصر غیبت، دشواری و سختی‌های حفظ ایمان، شدت‌ها و پیشامدهای ناگوار و تحولاتی که روی می‌دهد، مردم را زیر و رو کرده، پس در این دوران تنها کسانی بر دین خود ثابت می‌مانند که در ایمان خود، مخلص و باروح یقین همراه باشند و آنان کسانی‌اند که خداوند از آنها درباره ولایت اهل بیت علیهم السلام، پیمان گرفته و در دل آنها، ایمان را مستقر ساخته و آنها را با روحی از خود تأیید کرده است.

همچنین عصر غیبت، دوران هجوم شبهات، فزونی انحرافات و اندیشه‌های نادرست و باطل و دنیاگرایی‌ها و نادانی‌هاست و بدین جهت، پابرجا ماندن بر عقاید درست و حق دشوار است.

ایمان از دو مؤلفه اصلی علم و عمل شکل می‌گیرد و ضعف ایمان می‌تواند ناشی از ضعف علمی یا ضعف عملی باشد. پس علم به چیزی و التزام به مقتضای آن، به طوری که آثار آن

علم در عمل هویدا شود، و نیز از آن جایی که علم و التزام هر دو از اموری است که شدت و ضعف و زیادت و نقصان می‌پذیرد، ایمان هم که از آن دو تألیف شده قابلیت زیادی و نقصان و شدت و ضعف دارد؛ بنابراین باید ضعف ایمان را در یکی از منشأهای اصلی عمل و علم جست که نقش بی‌سار مهمی در انحراف از گفتمان ظلم‌ستیزی دارد چرا علم بدون عمل و همین‌طور عمل بدون علم آسیب‌زا هستند و موجب هلاکت و نابودی بشر می‌گردد.

### عافیت‌طلبی

عافیت‌طلبی به‌عنوان یکی از دلایل انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جامعه مطرح می‌شود. عافیت‌طلبی به معنای عافیت از ظلم و ستم و عافیت از رنج و درد است، تمایل به زندگی آسوده و راحت و دوری از مبارزه و تلاش برای تغییرات اجتماعی و سیاسی است. این رویه باعث می‌شود که افراد به‌جای مقاومت در برابر ظلم و ستم، به دنبال حفظ آرامش و ثبات شخصی خود باشند و به تدریج جایگاه و منزلت ظلم‌ستیزی را تضعیف می‌کند، باعث می‌شود که جامعه به تدریج ظلم و ستم را به‌عنوان یک حقیقت طبیعی و غیرقابل تغییر بپذیرد.

عافیت‌طلبی، گفتمان ظلم‌ستیزی را از حالت اصلی و طبیعی خود دور می‌کند و آن را به سمت سازش‌کاری و مدهانه سوق می‌دهد. این امر باعث می‌شود که جامعه به تدریج از ارزش‌های اسلامی و عدالت دور شود.

برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه و بر پایه اصول اسلامی، باید به‌جای عافیت‌طلبی، به ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی توجه کرد. «يَا أَشْبَاهَ الْجَالِ وَلَا رَجَالَ! خُلُومُ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رَبَّاتِ الْجَجَالِ؛ ای کسانی که شبیه مردان هستید ولی مرد نیستید! اندیشه‌های تان به اندازه کودکان و عقل‌های تان به اندازه زنان خانه‌دار است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷) «عافیت‌طلبی» و «انحراف از گفتمان ظلم‌ستیزی» در واقع دو روی یک سکه‌اند: هرگاه روحیه عافیت‌طلبی در جامعه قدرت بگیرد، مردم به‌جای ایستادن در برابر ستم و دفاع از مظلوم، به حفظ آسایش شخصی خود متمایل می‌شوند و از پذیرش رنج و هزینه مبارزه با مظالم کناره می‌گیرند. این رویکرد سبب می‌شود گفتمان ظلم‌ستیزی که محور دعوت امام علی علیه السلام است، به حاشیه رانده شود و زمینه استمرار یا گسترش ستم فراهم گردد.

در این خطبه امام علی علیه السلام با تندی از سستی و کناره‌گیری کوفیان در جنگ صفین انتقاد

می‌کنند. این سستی در واقع نشانه‌ای از همان عافیت طلبی است که مردم را به ماندن در خانه و دوری از سختی‌های میدان نبرد تشویق می‌کرد. در نتیجه، آنان هم از زیر بار ادای تکلیف دینی و اخلاقی (دفاع از حق) شانه خالی کردند و هم با بی‌توجهی خود به ظلم و تجاوز دشمن، موجب تضعیف گفتمان ظلم ستیزی شدند؛ بنابراین هر نوع مسامحه یا کناره‌گیری در برابر ستم، گام مؤثری در منحرف ساختن یا تضعیف گفتمان عدالت خواهی به شمار می‌رود.

عافیت طلبی، می‌تواند به شکل‌های مختلفی گفتمان ظلم ستیزی را منحرف کند. سکوت در برابر ظلم، ترجیح دادن منافع شخصی بر عدالت، عدم مشارکت در فعالیت‌های اصلاحی، انحراف در فهم مصادیق ظلم، و ترویج رویکرد منفعلانه و سازش کارانه، از جمله پیامدهای منفی عافیت طلبی در گفتمان ظلم ستیزی هستند. برای داشتن گفتمانی مؤثر در ظلم ستیزی، لازم است از عافیت طلبی دوری کرده و همواره برای برقراری عدالت و مبارزه با ظلم تلاش کنیم. قبل از فرج امام زمان علیه السلام، آسایش و عافیت و راحت طلبی نیست! جوانان باید سعی و تلاش کنند تا زمینه را برای دوران ظهور حضرت آماده کنند، دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعال‌تر و خلاق‌تر و آفریننده‌تر است، ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند، دست‌های جنگ‌افروز عالم همان‌هایی که جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی را درگذشته به راه انداخته و می‌اندازند دیگر نمی‌توانند جنگی به راه بیندازند، در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست، باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود علیه السلام، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست. «والله لتمعربلن» و «والله لتغربلن» به شدت امتحان می‌شوید، فشار داده می‌شوید. امتحان آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود علیه السلام، در میدان‌های مجاهدت، انسان‌های پاک امتحان می‌شوند. در کوره‌های آزمایش وارد می‌شوند و سربلند بیرون می‌آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود علیه السلام روزبه‌روز نزدیک‌تر می‌شود، این، آن امید بزرگ است (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

انسان همیشه دنبال کارهای راحت‌تر می‌رود، حالت سهولت طلبی، سهل‌گرایی، بین دو کار اگر مخیرش کنید، هرکدام آسان‌تر، تلاش کمتر و مایه کمتری می‌برد، آن را انتخاب می‌کند، این ویژگی به ما می‌گوید راه آسان‌تر، راه کم‌خرج‌تر، راه بی‌تلاش‌تر را بپذیر، از طرفی ایمان مذهبی می‌گوید بهشتت از دست رفت. برای این که هم سهل‌گرایی به جای مانده باشد، هم بهشت از دست نرفته باشد، مجبوریم بنشینیم فرمول درست کنیم، فرمول‌هایی که رفتن آدم بیکار

تنبل، به بهشت را نتیجه می‌دهد. پای فرمول‌ها می‌ایستیم، گیر هم می‌دهیم تا آخر هم نمی‌فهمیم؛ فقط وقتی به بهشت نرفتیم، می‌فهمیم که فرمول‌ها غلط بود. قرآن متن قطعی خلل‌ناپذیر ماست و صدها روایت متقن و درست وجود دارد، امام در حدیثی به این مضمون که نمی‌رسد به شفاعت ما، مگر به وسیله کوشش و جدوجهد. حالا ما با تنبلی، با زانوی غم به بغل‌گرفتن و غم گذشته و غم آینده را با بی‌غیرتی خوردن، غم‌خواری، خوب است، اما غم‌خواری‌ای که با بی‌غیرتی همراه نباشد ما با این حالت منفی پست بی‌خاصیت، می‌نشینیم به امید شفاعت، در حالی که خود امام می‌فرماید که شفاعت ما به آن کسانی می‌رسد که جد و جهد و کوشش داشته باشند، درست نقطه مقابل آنچه در مغزهای ماست.

### سرمایه‌داران و استعمارگران

استعمارگران همواره تلاش کرده‌اند تا عقیده به امید و مبارزه را در میان مسلمانان از بین ببرند. آنها حتی از طریق مبلغان مسیحی، سعی در تضعیف باورهای دینی مردم داشته‌اند تا بتوانند سلطه سیاسی خود را گسترش دهند. یکی از موانع اصلی آنها در این مسیر، اعتقاد راسخ مسلمانان به ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَعْدُ الْمُرْتَدِّ و احیای اسلام بوده است. حتی رضاخان پهلوی نیز به دنبال ریشه‌کن کردن این باور در میان مردم بود. اما این عقیده آن قدر قوی است که حتی در عصر غیبت نیز حضور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَعْدُ الْمُرْتَدِّ در دل مؤمنان احساس می‌شود و مانع تسلیم شدن آنها در برابر استعمار می‌گردد (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۰۹/۱۳۷۶).

استعمار با گسترش نفوذ و تقویت پایه‌های سلطه، غارت ثروت‌های امت، کنترل مواضع استراتژیک آنها و تحت سلطه گرفتن اراده امت، آن را به مصرف‌کنندگان تولیدات خود تبدیل می‌کند. تاریخ طولانی استعمار، خود گواه است. استعمارگران با تدوین سیاست کلی خود، به تعیین برنامه‌هایی می‌پردازند که با کنترل روش‌ها، در نهایت به تحقق اهداف اصلی منجر شود. در هر مورد از این برنامه‌ها، روش‌های گوناگونی را هم به کار می‌برند که عبارت‌اند از:

### الف) نابود ساختن اسلام

استعمارگران به قدرت اسلام در تقویت امت و مبارزه با برنامه‌های ویرانگر آنان پی برده پس سعی در از بین بردن آن دارند تا بتوانند آنان را ظلم‌پذیر کنند، این عامل اصلی مبارزه با اسلام و حمله به آن، با انواع تهمت‌ها و افتراها بوده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

**اول:** مخدوش نمودن چهره اسلام؛ در این زمینه فعالیت‌های گوناگونی انجام دادند که دو جنبه اصلی آن عبارت بود از: متهم نمودن اسلام به «عقب‌ماندگی» است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۳۱۶-۳۳۰) و معرفی اسلام به عنوان عامل تخدیر؛

**دوم:** مخدوش کردن چهره پیامبر اسلام ﷺ؛

**سوم:** از بین بردن منطق قرآنی از صحنه زندگی مسلمین بود، تا ملت‌های مورد هجوم آنان، امکان هر نوع مقاومتی را از دست بدهند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۲۱۳-۲۲۸)؛

**چهارم:** مخدوش کردن چهره علما؛ آنها برای رسیدن به هدف نهایی خود یعنی نابودی اسلام، از طریق تهمت‌زدن، افترا بستن و تخریب چهره علما، سعی می‌کنند جایگاه آنها را تضعیف کرده و چهره‌ی اسلام را مخدوش کنند؛

**پنجم:** تبلیغ جدایی دین از سیاست.

#### ب) تفرقه‌افکنی در میان امت و ایجاد شکاف در صفوف آنان

روش‌های به کار گرفته شده توسط استعمارگران و سرمایه‌داران:

**اول:** تقسیم نژادی؛ استعمارگران با ترویج نژادپرستی تلاش کردند ملت‌ها را از اسلام منحرف کنند، چون اسلام دین برابری و برادری است و در آن برتری نژادی وجود ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، صص ۳۷۳-۳۹۵).

**دوم:** ایجاد اختلافات مذهبی؛ آنها با دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی، میان مسلمانان کینه و تفرقه ایجاد می‌کنند تا بتوانند به منابع و ذخایر آنها دست یابند و آنها را از پیشرفت و اتحاد بازدارند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱، صص ۳۷۳-۳۹۵).

**سوم:** ایجاد مذاهب و فرقه‌های ساختگی؛ ایجاد مذاهب ساختگی، مانند بابیت، بهائیت و وهابیت کرده است. هدف آن‌ها جداکردن گروه‌هایی از امت اسلام و سوق دادن آنها به سمت منافع خود بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴، ۱۸۹-۱۹۲).

**چهارم:** ایجاد احزاب سیاسی منحرف‌کننده؛ یکی از این برنامه‌ها ایجاد احزاب و دسته‌بندی‌های حزبی بود تا گروهی از مسلمانان را سرگرم کرده و به سمت اهداف خود هدایت کنند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳، ۲۰۳-۲۰۵).

**پنجم:** ایجاد اختلافات فرهنگی؛ از برنامه‌های مهم آنها ایجاد اختلاف میان حوزه و دانشگاه بود. این روش به دلیل هدف قرار دادن قلب امت اسلام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

متفکران و اندیشمندان باعث بیداری و امید مردم هستند، اما اگر میان آنها اختلاف ایجاد شود، امید مردم کم‌رنگ شده و به ناامیدی می‌گراید. این اختلاف فرهنگی، شکاف عمیقی در نیروی محرک جامعه ایجاد می‌کند و جامعه را به ورطه نابودی ظلم می‌کشاند که شامل: تضعیف جایگاه علما در جامعه و مقابل هم قراردادن حوزه و دانشگاه است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲، ۳۴۵-۳۴۷).

### ج) حفظ حالت وابستگی و عقب‌ماندگی جهان اسلام

در این باره می‌توان به روش‌های زیر اشاره کرد:

**اول: تعیین حاکمان مزدور؛** از مشکلات اساسی کشورهای اسلامی، تعیین حاکمان مزدور و دست‌نشانده توسط استعمارگران است که به جای خدمت به مردم و کشور، در جهت منافع بیگانگان عمل می‌کنند که باعث تجربیات تلخی از خیانت حاکمان برای ملت‌های اسلامی در طول تاریخ شده چرا که تعداد حاکمان مستقل و ملی‌گرا بسیار اندک بوده است. مشکلات ناشی از این وضعیت عبارتند از: ناامیدی ملت‌ها و ناکامی حرکت‌های انقلابی به دلیل موضع‌گیری‌های مبهم و فعالیت‌های نادرست. تبدیل حرکت‌های انقلابی به بازی‌های سیاسی که در ظاهر، گروه‌های داخلی بر اوضاع مسلط هستند، اما در واقع کنترل در دست دشمنان است. تضعیف روحیه ملی و میهنی در ملت‌ها که نتیجه آن تبدیل دولت‌ها به رژیم‌های سرسپرده بیگانگان است (همان: ج ۱، ۳۷۳-۳۹۵).

**دوم: کشمکش میان حکومت‌های اسلامی؛** این درگیری‌ها باعث عقب‌ماندگی و هدر رفتن امکانات ملت‌ها شده و آنها را به وابستگی به کشورهای دیگر سوق داده و آرزوی وحدت و همبستگی اسلامی از بین رفته و به یک رؤیای دست‌نیافتنی تبدیل می‌کند (همان: ج ۱، ۳۷۳-۳۹۵).

**سوم: فرهنگ استعماری؛** آنچه می‌توان آن را «ام‌الامراض» یا منشأ اصلی مشکلات نامید، رواج فرهنگ بیگانه و استعماری است که سال‌ها جوانان را با اندیشه‌های مسموم تربیت کرده و با کمک مزدوران داخلی، ترویج شده است. فرهنگ فاسد استعماری نتیجه‌ای جز پرورش کارمند و کارفرمای خودباخته در برابر استعمار ندارد. خطر این فرهنگ از هر خطری، حتی از سلاح استعمارگران، نیز بزرگ‌تر و ویرانگرتر است.

**چهارم: جذب جوانان و فرار مغزها؛** استعمارگران سعی دارند با گمراه کردن جوانان و استفاده از

سیاست‌های فرهنگی مخرب، ثروت‌های ملت‌ها را به‌ویژه نیروی جوان را به دست آورند. این امر با انحراف جوانان از ارزش‌های دینی و ملی انجام می‌شود.  
پنجم: ترویج و اشاعه فساد (همان: ج ۲، ۳۴۵-۴۵۰).

#### د) ایجاد رژیم صهیونیستی

قرآن کریم هیچ شخص یا قومی را مانند شیطان و قوم یهود مورد هدف قرار نداده است. امام خمینی رحمته الله علیه فرمودند: «اگر امریکا و اسرائیل بگویند (لااله الاالله) ما از آنها قبول نمی‌کنیم»، صهیونیسم، یک غده سرطانی است. صهیونیسم از زمان ایجاد بهائیت به ایران نفوذ کرده و سعی در نابودی آن دارد (کورانی، ۱۳۸۹: ج ۲، ۱۹۵).

#### پروپاگاندا

در طول تاریخ همواره ارتباط مستقیمی بین روند گسترش اسلام و اقدامات اسلام‌ستیزانه و اسلام‌هراسانه وجود داشته است هرگاه روند گسترش اسلام به‌ویژه در سرزمین‌های تحت سلطه فرهنگ غرب شدت گرفته در واکنش به آن تلاش برای مخدوش کردن چهره اسلام و مسلمانان نیز تشدید شده است اقدامات رسانه‌های غربی در فضا سازی منفی باهدف مخدوش ساختن چهره اسلام مسلمانان پدیده‌ی بی‌سابقه‌ای، نیست تاریخ این ماجرا به ابتدای رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و متعاقب نفوذ اسلام به مناطق تحت سلطه مسیحیت و یهود برمی‌گردد. هدف پروپاگاندا اغلب کسب پذیرش عمومی برای ایدئولوژی مطلوب تبلیغات گر به شمار می‌رود. هدف تبلیغات خصمانه، دیگر تغییر دادن تبعیت مردمان از یک دکتورین معین نیست. پروپاگاندا معمولاً آگاهی مخاطبان را کانون توجه قرار نمی‌دهند چرا که اقناع فکری هم درازمدت است و هم غیرقطعی و بردن مخاطب به سمت کنش از این طریق سخت‌تر نیز است در عوض پروپاگاندا می‌کوشد مخاطب را وادار کند تا به‌گونه‌ای غیرعقلانی به فرایندی از کنش دست یابد؛ زیرا به محض این‌که کنش صورت پذیرد تأثیر پروپاگاندا قطعی و برگشت‌ناپذیر می‌شود. تبلیغات خصمانه یا تحریک به جنگ تجاوزکارانه نوعاً به‌وسیله استفاده از تنفر، ترس، خشم، میل به انتقام و القا کردن میل شدیدی برای خدمت کردن به یک هدف سیاسی دینی یا اخلاقی، یا از طریق قول افتخار یا سایر جوایز صورت می‌گیرد (ریخته‌گر برنجی، کدخدایی، ۱۳۹۷: شماره ۳).

تبلیغات خصمانه به طرق مختلفی باعث از بین رفتن و انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی

می‌شود که از جمله آنها:

#### الف) تغییر عقاید و افکار عمومی

تبلیغات سوء باهدف منحرف کردن افکار عمومی از حقیقت دین، و ترویج سبک زندگی مادی صورت می‌گیرد و جوانان به دلیل عدم آگاهی کافی، بیشتر در معرض آسیب این تبلیغات هستند. احساس عدم صداقت در مسئولان، اختلال و تزلزل در اعتماد عمومی نسبت به کارگزاران و حاکمان، سلب اعتماد مخاطب نسبت به منبع ارسال پیام و بسترهای ارتباطی، اثرگذاری رسانه‌های رقیب خارجی بر جهت‌دهی افکار مخاطبان، ضعف ساختاری و رویکرد سنتی و انفعالی رسانه‌های رسمی در مواجهه با مخاطب، نقشه تجارب گذشته و تصورات ذهنی غالب در مخاطب، اثرگذاری فساد و تبعیض موجود در ساختار سیستم، ضعف ناشی از عدم توجه به ظرفیت‌های اقناعی، اثرات ناشی از احساس عدم شفافیت از سوی مخاطب، ضعف ناشی از عملکرد مدیران و سیاست‌گذاری‌های غلط، مشکلات ناشی از وجود شکاف و سست شدن پایه‌های اعتماد عمومی، ضعف ساختار رسانه‌های رسمی و عملکرد نظام اطلاع‌رسانی و ضعف ناشی از بی‌اعتنایی به نیازهای واقعی مردم، از جمله مهم‌ترین علت‌های مؤثر در بروز پدیده تغییر افکار عمومی هستند (خلجی، تقی‌پور، اسماعیلی، ۱۳۹۹: شماره ۱۰).

تغییر و بی‌اثر ساختن افکار، عقاید و نظرات نامناسب یا خصومت‌آمیز: جهت‌دهی افکار و عقایدی که در حال شکل‌گیری هستند؛ حفظ و نگهداری افکار عمومی و عقاید مساعد و موافق؛ ایجاد افکار عمومی جدید (دادگران، ۱۳۸۲: ۲۹-۳۰).

#### ب) ایجاد تردید و ناامیدی

استعمار می‌خواهد که ملت‌های مسلمان، دچار روح ناامیدی شوند، این را به‌زور در مردم تزریق می‌کنند که بگویند: دیگر نمی‌شود کاری کرد؛ اغلب خبرهایی که تنظیم می‌کنند، برای مأیوس کردن مردم است. برای این که جوشش و امید را از این مجموعه‌ی انسانی که با امید کار می‌کند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایل‌اند انجام دهند (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۰۹/۱۳۷۶).

تردید و ناامیدی می‌تواند منجر به کاهش انگیزه برای ادامه فعالیت‌های ظلم‌ستیزانه شود. شگردهای آن این‌گونه است: القای ناتوانی مسلمانان در برابر قدرت‌های استکباری و روحیه تسلیم و سازش؛ تبلیغ بی‌فایده بودن مبارزه و مقاومت و دعوت به پذیرش وضع موجود؛ ترویج

فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی برای غافل کردن مسلمانان؛ تحریف تاریخ و القای این‌که مسلمانان همواره مغلوب و تحت سلطه و ناتوان بوده‌اند.

#### پ) تبریر ظلم و ستم

آدم معنوی‌ای که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویتی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه، ۰۸/۰۶/۱۳۸۴).

تبلیغات خصمانه ظلم و ستم را تبریر و آن را به‌عنوان چیزی طبیعی و لازم معرفی می‌کند. می‌تواند منجر به پذیرش ظلم توسط مردم شود. از طریق ارائه دلایلی برای ظلم و ستم، ایجاد حس نیاز به آن و احساس ناگزیر بودن از ظلم و ستم ایجاد کند.

#### ت) سانسور و کنترل رسانه

سینما و فیلم با محوریت جهانی، یکی از طریقه‌های ضربه به اسلام و فرهنگ مهدویت است. تصویر جایگاه ویژه‌ای در دستگاه ادراکی و روانی انسان دارد اگر حواس خود را دروازه‌های ورودی روح تلقی کنیم نتیجه ارتباط با محیط اطراف و پدیده‌های پیرامونی در هر شبانه‌روز بیش از سه، چهارم اطلاعات دریافتی از طریق حس بینایی یعنی تصویری به حوزه ادراک ما وارد می‌کند و تلویزیون و سینما در کل فضای مجازی و... به‌عنوان یک رسانه دیداری و شنیداری زندگی انسان را تسخیر کرده است. یک ثانیه تصویر به اندازه هزار حرف تأثیرگذار است، بخش اعظم آموزه‌ها و تجربه‌های مربوط به مذهب و معنویت از طریق رسانه‌ها دریافت و منتقل می‌شوند. شهید آوینی بارها موافقت خود را با این عبارت مک لوهان «رسانه همان پیام است» اعلام داشته است. رسانه‌های نوین حامل بارهای ارزشی، نظام معنایی و مفهومی خاص خود هستند و به تدریج آنها را برای کاربران شان حتی اگر خواهان آن نباشند، تحمیل می‌کند (شرف‌الدین، گنجیانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۰۵). تبلیغات خصمانه اغلب با فیلتر کردن و کنترل رسانه همراه است که می‌تواند با دسترسی به اطلاعات، صدای ظلم‌ستیزان را محدود کند و منجر به انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی شود.

#### ث) ایجاد تضادهای اجتماعی

تبلیغات خصمانه می‌تواند تضادهای اجتماعی بین گروه‌های مختلف ایجاد کند. این تضادها می‌توانند منجر به کاهش اتحاد و سازماندهی علیه ظلم شوند. ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي

الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذِخُّ أُنْتَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۴﴾؛ فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران‌شان را سر می‌برید و زنان‌شان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود. این آیه اشاره دارد که چگونه مستکبران و ظالمان برای تثبیت پایه‌های حکومت خود و این که از خشم توده‌های مردم در امان باشند از روش ایجاد اختلاف و درگیری‌های قومی قبیله‌ای بهره می‌برند تا دیگر کسی فرصت تفکر درباره حاکمیت و ظلم‌های آنان را نیابد. همان روشی که فرعون داشت و با مسلط کردن قبطیان بر بنی اسرائیل آتش جنگ را در بین آنها شعله‌ور ساخته بود.

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده مشخص شد علیرغم غنی بودن سیره و روش پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام از آموزه‌هایی که باعث عزت و سربلندی و پیشتازی شیعیان در همه عرصه‌ها هست، داشتن برنامه از سوی اسلام برای تمام شئون و ابعاد حیات انسانی، در حد مباحث تئوریک و نظری نیست؛ بلکه اجرایی و عملیاتی هستند؛ اگر اسلام کاملاً اجرا شود، تمام مشکلات جوامع بشری حل و تمام مکاتب غیرالهی عقب‌نشینی کرده، دیگر هیچ‌کس تمایلی به آنها نخواهد داشت. ولی متأسفانه در طول قرون بعد از ظهور اسلام، مستکبران و استعمارگران و استثمارگران اجازه نداده‌اند هرگز چنین فرصتی برای اسلام پیش بیاید. نایبان امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف مخصوصاً امام خمینی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به دنبال ایجاد حکومت اسلامی و تحقق این ایده آرمانی در زمان غیبت حضرت ولی عصر بودند تا بتوان زمینه را برای آن حضرت مهیا کنند. با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شیعیان در عصر غیبت، عوامل زیادی از جمله حرص و طمع و دنیاپرستی، عافیت‌طلبی، ضعف ایمان دینی، سرمایه‌داران و استعمارگران و پروپاگاندا نقش قابل توجهی در انحراف گفتمان ظلم‌ستیزی دارند که این موضوعات اگر مورد بررسی و توجه قرار نگیرند، حتی می‌تواند باعث از بین رفتن این گفتمان گردد و عصر غیبت را طولانی‌تر گرداند.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۶)، *احیاء تفکر ظلم‌ستیزی و عدالت خواهی اسلام در اندیشه سیاسی امام خمینی* رحمته‌الله علیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، فصل نامه ۱۵.
- جهانی پور، یاسر (۱۳۹۴)، *شرح دنیاطلبی در کلمات امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، شماره ۹۳.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲)، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران: صهبا، اول.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
- حیدری، محدثه (۱۳۹۸)، *تجمل‌گرایی، مادی‌گرایی و دنیاطلبی و ظهور آن در عاشورای دیروز و امروز*، نهمین جشنواره علامه حلی.
- خلجی، سپهر؛ تقی پور، فائزه؛ اسماعیلی، رضا (۱۳۹۹)، *شناسایی عوامل مؤثر در بروز پدیده وارونگی افکار عمومی*، تهران: دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، شماره ۱۰.
- دادگران، سیدمحمد (۱۳۸۲)، *افکار عمومی و معیارهای سنجش آن*، تهران: انتشارات مروارید، سیزدهم.
- ریخته‌گر برنجی، ریحانه؛ کدخدائی، عباسعلی (۱۳۹۷)، *رویکرد حقوق بین‌الملل در خصوص تبلیغات خصمانه برای جنگ پروپاگاندا*، تهران: دانشگاه تهران با همکاری انجمن ایرانی حقوق اداری، شماره ۳.
- شرف‌الدین، سیدحسین؛ گنجیانی، سیدمهدی (۱۳۹۲)، *هالیوود و توطئه اسلام‌هراسی با شگرد نفوذ در ناخودآگاه*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، پیاپی ۱۶.
- طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الاسلامیه، اول.
- عباسی، محمد (۱۳۸۶)، *عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب*، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه.

- کراچکی، محمد بن علی (۱۳۹۰)، *معدن الجواهر*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، دوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، *اصول کافی*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، چهارم.
- کورانی، حسین (۱۳۸۹)، *امام خمینی رحمته الله علیه واستعمار، دیدگاه‌ها و راهکارهای مبارزه با آن*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۱)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفا، دوم.
- محمدی، روح‌الله؛ مروتی، سهراب (۱۳۹۲)، *ظلم و ظلم‌پذیری و پیامدهای آن در سبک زندگی*، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره پیاپی ۹۸.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، اول.
- نصر، سید حسین (۱۳۴۹)، *مسئله ایمان و برتری اسلام*، قم: معارف جعفری، شماره ۱۰.